



انترناسیونال

۱۷۶

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۶ بهمن ۱۳۸۵، ۲۶ ژانویه ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

حجاب را اجباری کرد. در کنار حکم دولتی و قانونی حجاب اجباری، دشته و اسید و شلاق هم بکار گرفته شد تا حجاب بر سر زنان کشیده شود. اعتراضات علیه حجاب سرکوب شد و به این ترتیب حجاب اختناق بر سر کل جامعه کشیده شد.

اما با وجود سرکوب گسترده در جامعه و علیرغم برپائی آپارتاید جنسی، جامعه یک دم از اعتراض باز

صفحه ۲

سرکوب، ترور و کشتار و شکنجه زاده شد. با کشتار وسیع و تروریزه کردن کل جامعه تحکیم یافت. بطوریکه هیچ بخشی از جامعه از نیش آن در امان نماند. زنان اما، عمیقتر و گسترده تر مورد هجوم قرار گرفتند. زن ستیزی اسلامی، رکن و ستون جمهوری اسلامی است. بدون آن، حکومت اسلامی بی معنی است. جمهوری اسلامی متکی بر آپارتاید جنسی، سرکوب گسترده زنان را در صدر کار خود قرار داد.



خلیل کیوان

به حقوق زنان حمله کرد، با برداشتن حجابها نیز به زانو در می آید. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا با

۸ مارس بی حجاب حجاب نه!

حجاب، اختناق حاکم در ایران قابل توضیح نیست. بدون تحمیل حجاب، حکومت اسلامی وجود خارجی ندارد. از اینرو مبارزه علیه لغو حجاب، پرت کردن و به آتش کشیدن آن از اهمیت زیادی برخوردار است. جمهوری اسلامی با تحمیل حجاب

یک رکن اختناق سیاه حاکم در ایران، زن ستیزی آن است. جمهوری اسلامی بر مبنای سیاست آدمکشی آشکار و با نفی کامل حقوق زن در جامعه حاکم شد. پرچم و سمبل آن هم، حجاب اسلامی شد. بدون نقص کامل حقوق زن، بدون تحمیل



در حاشیه رویدادها

لبنان به کجا میرود؟

قتل سیاسی در ترکیه

بالا گرفتن

نزاعهای حکومتی

حسن صالحی

صفحه ۴



نه به حجاب،

نه به آپارتاید جنسی

زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران
مارس ۲۰۰۷



مژده به بشریت، آسوده بخوابید!

صفحه ۳

کیوان جاوید



فریده آرمان

شرایطی نظیر فادیمه بسر میببرند، توجه به وضعیت این دختران و حتی در مواردی پسران از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

فعالین کمیته دفاع از حقوق

صفحه ۲

بود که می خواست سرنوشت زندگی اش را خودش تعیین کند و شریک زندگیش کسی باشد که خودش می خواهد. بعد از اینکه او دوست پسر سوئدی برای خود برمبگیرند، از نظر پدرش ناموس خانواده لکه دار شده و حکم مرگ این دختر صادر میشود. از آنجا که فادیمه نه اولین و نه آخرین قربانی است و هم اکنون هزاران هزار دختر فقط در کشور سوئد در

هر ساله در سالگرد مرگ فادیمه دختر ۲۶ ساله ای که از یک خانواده مهاجر بود و توسط پدرش پنج سال پیش به قتل رسید، مراسمها و سمینارهایی در سراسر کشور سوئد برگزار می شود. قتل های ناموسی پدیده ای است که در گوشه و کنار دنیا و در قلب اروپا اتفاق می افتد. فادیمه دختر تحصیل کرده و مستقلی بود که تنها جرمش این

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شهر مریوان شاهد مراسم بزرگ جشن آدم بر فیها بود

پیام تسلیت به رفیق علی جوادی

بنابر اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، "روز ۲۵ دیماه ۱۳۸۵ شهر مریوان شاهد جشن و مراسم باشکوه آدم بر فیها در دفاع از حقوق کودک بود. در مقابل هتل زریبار نزدیک دریاچه زریبار در کنار شهر مریوان بیش از ۲ هزار نفر در جشن آدم بر فیها شرکت کردند. محل مراسم و جشن آدم بر فیها با پلاکاردهای در دفاع از حقوق کودک تزئین شده بود. پلاکاردهای بزرگ با رنگ



قرمز بر سفیدی برف نمایان بود و مردم را بسوی این محل پرنشاط فرامی خواند. در این مراسم قطعنامه ای (این قطعنامه را در زیر میخوانید) در دفاع از حقوق کودک قرائت شد و به تصویب حاضرین رسید. این قطعنامه وسیعاً در میان شرکت کنندگان توزیع شد. این مراسم به همت فعالین حقوق کودک شهر مریوان و با همکاری تعدادی از معلمین مدارس ابتدایی و تعدادی از

علی عزیز از طرف همه اعضا و کادرهای حزب درگذشت ناگهانی دختر عزیزت زویا را به تو و خانواده گرامی ات صمیمانه تسلیت میگویم. این اتفاق برای همه ما يك ضایعه سنگین و تکاندهنده بود.

مهد کودک ها برپا شده بود. این مراسم باشکوه و مطالبات قطعنامه این روز نشان داد که جامعه بر حقوق کودک تاکید میکند و از وضعیت کودکان ناراضی است. فعالین این حرکت با سازماندهی این جشن

در این لحظات سخت ما را در کنار خود بدان. به گرمی در آغوشت میگیریم و میبوسیمت.

با آرزوی شکیبایی و سلامتی حمید تقوایی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ ژانویه ۲۰۰۷

توانستند توجه بخش قابل توجهی از جامعه را به حقوق کودکان جلب کنند و امید به دنیایی شاد و آزاد برای کودکان را در جامعه زنده نگهدارند."

قطعنامه برگزاری فستیوال آدم بر فی در مریوان

ما اعلام می کنیم هیچ ملاحظه اقتصادی، فرهنگی، ملی و سیاسی بر منفعت کودک ارجح نیست و ما خواهان تامین يك زندگی شاد، ایمن و خلاق برای کودکان در سرتاسر جهان هستیم. به همین مناسبت برای شادی کودکانمان از هیچ تلاشی دریغ نمی کنیم. این فستیوال برای کودکان سرشار از شادی و نشاط است. آنها خوشحال و شادان دست

فستیوال مطالبات خود را شرح ذیل اعلام می کنیم. ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال تامین سلامت، بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان آموزش و پرورش رایگان و تامین مسکن با استاندارد بالا برای همه کودکان تامین مسکن، رفاه و امکانات

در دست هم، همصدا می شوند. خانواده ها، پیر و جوان و کودک و نوجوان آمده ایم بازی و شادی گروهی عزیزانمان را نظاره کنیم. روزی که کودکان بدور از هر گونه تبعیض رویاها و دنیایشان یکی می شود. آمده ایم بگویم حق و حقوق کودک باید رعایت شود. کودکان نیاز به حمایت دارند و از ما زندگی بهتر می خواهند. ما شرکت کنندگان در این

سرت و خرید و فروش کودکان ممنوعیت تنبیه بدنی و اعمال فشار روانی و ارعاب علیه کودکان، تامین مهد کودک های مجانی، مدرن و مجهز برای کودکان کودکان شایسته دنیایی پر از صلح و صفا و شادی و عاری از هر نوع خشونت هستند. حقوق کودکانمان را به رسمیت بشناسیم و دنیایی شاد و زیبا برایشان بسازیم.

کمیته برگزاری فستیوال آدم بر فی مریوان
زمستان ۱۳۸۵
بازتکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۱ در پنجمین سالگرد ...

زنان در ایران و من به عنوان مسئول این کمیته در شهر مالمو به همراه دوستانمان در شکل "پلا و فادیمه را فراموش نکن" و بسیاری انسانهای آزادی خواه هر ساله تلاش کرده ایم که توجه افکار عمومی را به این واقعه هولناک جلب کنیم و برای مشکل واقعی که این دختران با آن دست به گریبان هستند، راه حل ارائه دهیم. واقعیت دردناک این است که دختران و زنان در خانواده های مذهبی و مرد سالار از وضعیت بسیار بدی برخوردار هستند. آنها مایملک والدینشان هستند و حق ندارند از يك زندگی آزاد برخوردار باشند. آنها حق ندارند شریک زندگیشان را خودشان انتخاب کنند، حق ندارند دوست پسر داشته باشند، حق ندارند نوع لباس شان را و یا دوست شان را انتخاب کنند، رفت و آمدهایشان دانما تحت کنترل است و در نهایت باید با کسی که پدرشان برایشان انتخاب می کند زندگی

من فکر میکنم که در سوتند و تمام کشورهای اروپایی می توان و باید دولتتها را وادار به اجراء و تصویب قوانینی کرد که در سطح اجتماع و ماکرو وهمچنین در محیط کوچک خانه موقعیت این دختران جوان را بهبود بخشد و موقعیت و امکانات بهتری برای تغییر وضعیت این زنان و دختران ایجاد کند. در کشورهایی مثل ایران که اسلام سیاسی در قدرت است، تغییرات قانونی در جهت بهبود وضعیت زنان با دشواری های بیشتری مواجه است. مردم و بویژه زنان باید با کل سیستم ارتجاعی حاکم و کلیت سیستم و قوانینی که نابرابری را پاسداری می کند به مقابله برخیزند و این دشواری مبارزه برای احقاق حقوق برابر در اینگونه کشورها است. ولی همانطور که شاهد هستیم زنان ایران بخش پیشرو و فعال جنبش برابری طلبانه در مجموعه کشورهای

از صفحه ۱
نایستاد. علیرغم نسل کشی جمهوری اسلامی، "سکوت قبرستانی" دوره حکومت پهلوی هرگز در جامعه اعاده نشد. اعتراض کم و بیش ولی پیوسته ادامه یافت. مبارزه علیه ستم به زن و علیه حجاب، بویژه در سالهای اخیر ابعاد گسترده ای بخود گرفت. امروز جنبش خلاصی از آپارتاید جنسی از تعیین کننده ترین جنبش های اعتراضی در صحنه سیاسی ایران است. هشت مارس های سالهای گذشته بویژه، خصلت اعتراضی و زیر و روکننده این جنبش را در شعارهای خود بنمایش گذاشته اند. اگر جمهوری اسلامی با سرکوب گسترده زنان، تحمیل حجاب و به اسارت گرفتن کل جامعه استقرار یافت، با نفی آپارتاید جنسی و پایان دادن به ستم به زن و با لغو حجاب کارش پایان خواهد یافت. اگر تصور حکومت اسلامی بدون حجاب غیر ممکن است، آنگاه اهمیت مبارزه

۸ مارس بی حجاب
علیه حجاب صد چندان روشن است. اگر زنان حجاب از سر بردارند و در خیابانها ظاهر شوند، جمهوری اسلامی را به پایان کار خود نزدیک کرده اند. پس، ۸ مارس امسال را بدون حجاب برگزار کنیم و جمهوری اسلامی را فلج کنیم. حجاب و آپارتاید جنسی معنی دارد، با لغو آن و آزادی زن نیز کارش تمام خواهد شد. رهایی زن و لغو آپارتاید جنسی برابر با پایان کار جمهوری اسلامی است. از این نظر جنبش آزادی زن نه فقط برای آزادی زن، بلکه برای آزادی کل جامعه در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفته است. هشت مارس امسال فرصتی است که با قدرت تمام علیه حجاب، این سمبل بردگی زن به میدان بیاییم. برای تدارک ۸ مارس با شکوه با شعار "حجاب نه" خود را آماده کنیم. *

مژده به بشریت، آسوده بخواید!

نیمه شب است. تلویزیون بیست و چهار ساعته بی بی سی اخبار روز گذشته را با تفاسیر و تصاویر به سوی میلیونها نفر که درکنج اطاق هاشان "سنگر" گرفته اند شلیک می کند. صحنه های کشتار جمعی در عراق یکی از آن رویدادهای "عادی" و تکراری در زندگی میلیونها انسان در چهار گوشه جهان است. خبرها همه حکایت مرگ و نابودی و گرسنگی و بدبختی است. حکایت اعدام و شکنجه و اخراج و بیکاری. حکایت دنیای ملکه ها و شاهان مومیائی شده در کاخ ها و میلیاردها و میلیونها خوش پوش و خوش خوراک. دنیای شاد و سرشار از لذت برای آنهایی که کنترل دنیا را بدست گرفته اند.

آیا امیدی برای تغییر در دلها مانده است؟ آیا با امید می شود کاری کرد و بچه هائی که از زور گرسنگی شکمشان باد کرده و مگس از سر و رویشان بالا می رود را می شود نجات داد؟ مردم افغانستان و عراق که اسیر جنگ تروریستها هستند و بخشهای وسیعی از آفریقای گرسنه که توامان گرفتار ایزد هستند را می شود به زندگی برگرداند؟ می شود برای حق زندگی ۴۰۰ هزار کارگری که فرار است در لیبی اخراج شوند جنگید؟ برای مردم ایران چه می شود کرد؟ می گویند "تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر يك امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است." (* اما برای میلیونها میلیون انسان که در چمبره فقر و گرسنگی، بی مسکنی و بی بهداشتی دست و پا می زنند، امید واژه ای است که سالیان دراز به گور سپرده شده است. می گویند دنیا همین است که میبینید و فوراً دنیای اعتیاد و مردن در گوشه خیابان ها در مقابل چشمان ما رژه می روند.

تا امروز فکر می کردم برای تغییر این دنیای وارونه باید پرچم سوسیالیسم را برافراشت. متحد کرد و جنگید و دشمن را در همه جا و هر سنگری شکست داد. فکر می کردم برای پیروزی بشریت و به گور سپردن نظام استثمارگر باید حزب ساخت. برای تغییر این دنیای پر از نکبت و تباهی فکر می کردم باید کمونیست بود و با پرچم مارکس به میدان آمد. اما دانشمندان جدید به کشف فوق العاد مهمی دست یافته اند. مژده به



کیوان جاوید

کارگران چند هزار تا چند ده هزار نفر را اخراج نکنند. ای کاش بوش و بن لادن و ملا عمر و صاحبان ابزار تولید هر چه زودتر با پیشرفت علم پزشکی نعودستی شان به حد اعلا برسد و جهان پر از گل و بلبل بشود. بهرحال کسانی که از مارکس قطع امید کرده اند می توانند در انتظار این کشف خارق العاده شب را با خیال راحت سر بر بالین بگذارند. راکفلر و بیل گیتس و بیل کلینتون و خیل دیگری از "رفیق القلبهای" جهان امروز در شهر سیسیل در لژ تماشاخانه نشسته اند و با تماشای این کمدی - درام اشک و لبخندشان در هم آمیخته است.

وقتی از این دنیای فانتزی فاصله بگیریم می بینیم "کشف" این نعودستی در ادامه همان بمبارانهای تبلیغی شب قبل تلویزیون بیست و چهار ساعته بی بی سی است که از نشان دادن اجساد کشته شدگان در عراق و گوشه و کنار جهان کارشان رونق گرفته است. دارند "کشف" می کنند که از خودبیگانگی انسان و پروسه تباهی انسان از موجودی جمعی و نعودست و اجتماعی به موجودی خودپرست و فردگرا و متمیزه شده ربطی به مناسبات تولیدی سرمایه داری ندارد تا این نظام سراپا غیر انسانی و نابرابر را از زیر ضرب آنهایی که زندگی را حق خود می دانند و برای بدست آوردنش می خواهند مبارزه کنند و برای پیروز شدن می خواهند متشکل باشند در ببرند. برای کشف نعودستی احتیاجی نیست دست به آزمایشات پزشکی زد. به کمک مالی میلیونی مردم در چهار گوشه جهان به سیل زدگان سونامی نگاه کنید تا این نعودستی مشاهده شود. به اعتراضات میلیونی مردم در چهار سوی جهان علیه جنگ در عراق نگاه کنید تا نعودستی را که از لیجنزار جامعه سرمایه داری سرک می کشد بازشناسید. تلاش و مبارزه برای نجات نازنین فاتحی را ببینید تا

صفحه ۴

پیام تبریک به مینا احدی و نازنین افشین جم

مینا و نازنین عزیز!

نجات جان نازنین فاتحی از اعدام را به شما و به کمیته بین المللی علیه اعدام تبریک میگویم. این پیروزی ثمره يك اعتراض و کمپین فشرده جهانی بود که شما در سازماندهی آن نقش موثر و تعیین کننده ای ایفا کردید. این يك پیروزی دیگر برای کمیته بین المللی علیه اعدام و برای تمام انسانهای شریفی است که در سراسر جهان در این مصاف شرکت کردند و اکنون با امید و اعتماد به نفس بیشتر و عزم راسخ تری به مبارزه خود علیه اعدام و حکومتهای جنایتکاری نظیر جمهوری اسلامی ادامه میدهند. در دنیای سیاهی که قتل و کشتار و

جنایات قانونی و غیرقانونی دولتها و نیروهای مذهبی و قومی در آن بیداد میکنند این دستاورد شما شعله امید بخش و دلگرم کننده ای است که راه پیشرویهای بیشتر و پیروزهای بزرگتر در مبارزه جهانی علیه جنایت اعدام و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی را هموار میکند. دستتان را به گرمی میفشارم و به شما و تمام انسانهای مبارز و شریفی که در مصاف جهانی برای نجات جان نازنین سهم داشته اند درود میفرستم. با امید دستاوردها و پیشرویهای بیشتر!

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ ژانویه ۲۰۰۷

از صفحه ۲ در پنجمین سالگرد ...

اسلام زده هستند. کمی از بحث دور شدیم. مطالبات پایه ای ما در این رابطه که در اطلاعیه مطبوعاتی از طرف افسانه وحدت سردبیر نشریه سوندی کودکان مقدمند، مهین علیپور، و فریده آرمان مسئولین کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران درشهرهای استکهلم و مالمو، چندی پیش منتشر شد و در روزنامه های مختلفی منتشر ویا واکنش هیستریک مسئول انجمن اسلامی های سوند همراه بود، شامل مطالبات زیر است:

- ممنوعیت حجاب برای کودکان
- بسته شدن مدارس مذهبی، و هرگونه تبلیغات مذهبی برای بچه ها
- ممنوعیت حجاب و داشتن هرگونه مظاهر مذهبی در مدارس
- متوقف کردن پرداخت هر گونه کمک هزینه به مراکز مذهبی
- تعیین مجازات قانونی برای کسانی که مرتکب اذیت و آزار و خشونت و قتل زنان می شوند، بدون هیچ تخفیف و ملاحظاتی در تعیین مجازات برای کسانی که تحت عنوان مذهب و سنن مرتکب جرم شده اند.
- دقت ویژه و مضاعف در بررسی علل مرگ هایی با ظاهر خودکشی که توسط دختران جوان در خانواده های مذهبی و پدر سالار صورت می گیرد.
- مطالبات بالا به همراه درخواستهای عاجل تری برای بهبود وضعیت دختران و زنان
- در مطلبی در روزنامه سید سونسکا به قلم فریده آرمان و مریم طاهری منتشر شده است.
- مطالبات عاجل ما شامل نکات زیر بودند:
- اختصاص امکانات ویژه ای برای دختران و زنانی که در شرایط سخت و یا خطرناک بسر میبرند.
- پلیس و مراجع ذیصلاح می بایست هنگام مراجعه ودرخواست کمک از جانب این دختران و زنان با جدیت و احساس مسئولیت بیشتری برخورد کنند.
- هنگامی که دختر و یا زنی در خانه امن ویژه زنان اسکان گزید تا زمانی که خودش احساس کند که احتیاج به ماندن در این محل امن را دارد باید اجازه داشته باشد که در آنجا بماند.
- تلفن های ویژه اضطراری و قابل دسترس برای کمک به زنانی که احتیاج به کمک فوری دارند. این تلفنها بایستی به زبانهای مختلف اطلاعات بدهند.
- مسئولینی که در تماس با این زنان قرار می گیرند باید از آگاهی و تجربه کافی برخوردار باشند.
- باید به کسانی که این قدم بزرگ را در زندگی برمی دارند تا افزایش و خشونت رها شوند، کمک کرد تا يك آینده امن و مطمئن برایشان تامین شود.*

در حاشیه رویدادها

حسن صالحی



لبنان به کجا میرود؟

با بالا گرفتن نا آرامی ها در لبنان که روز پنجشنبه ۲۵ ژانویه منجر به کشته شدن حداقل ۴ نفر و زخمی شدن بیش از ۳۵ نفر گردید، این سؤال مطرح می شود که آیا لبنان دارد به سمت یک جنگ داخلی دیگر سوق پیدا می کند؟ جنگی که از سال ۱۹۷۵ سر باز کرد و بمدت ۱۵ سال ادامه یافت و عواقب ناگوار و خاطرات تلخ آن در متن شلوغی های اخیر ذهن و زندگی بسیار از ساکنین این کشور را به تشویش می کشاند.

تا آنجا که به موقعیت امروز لبنان، بروز ناآرامی ها و کشمکش های جاری این کشور برمی گردد، اگر چه بحران این کشور در برگیرنده عناصری از زمینه های شکل گیری جنگ داخلی ۱۵ ساله است ولی با آن شرایط بطور کلی تفاوت دارد.

حقیقت این است که پس از تهاجم وحشیانه اخیر دولت اسرائیل به لبنان که به تقویت حزب الله منجر شد، اسلام سیاسی به نمایندگی حزب الله می خواهد در قدرت سهم تعیین کننده داشته باشد. این سهم خواهی دلیل بروز نا آرامی ها و به مصاف کشیدن دولت تحت حمایت غرب و عربستان سعودی فؤاد سینوره از جانب نیروهای حزب الله است. آنچه که در لبنان امروز می گذرد بازتاب نزاع بزرگتری است که در سطح خاورمیانه میان نیروهای اسلام سیاسی و نیروهای نظم نوین جهانی آمریکا و متحدین آن در حال جریان است. نزاع برای تغییر موازنه قدرت

بنحوی که منافع هر یک از این دو بلوک بیشتر تامین شود، تا کنون زمینه خونی ترین رویارویی های این دو قطب در سالهای اخیر بوده است. تجربه افغانستان و عراق نشان می دهد که در خدمت تامین اهداف ضد بشری این دو نیرو، یک جامعه می تواند تماما به آتش و خون کشیده شود. جنگ ۳۴ روزه لبنان یک نمونه زنده دیگر از این توحش است.

با اینحال زنگ خطر برای مردم لبنان آنجاست که حزب الله خود را به سخنگوی جنبش اعتراضی مردم ناراضی تبدیل کند. این نیروی ارتجاعی تا همینجا نیز عواقب زیانباری برای مردم به همراه داشته است. باید با افشای چهره واقعی

حزب الله و تجربه هراسناک جمهوری اسلامی در ایران چشمان مردم لبنان به آینده ای روشن تر باز شود. یک شرط مهم آینده ای بهتر برای مردم لبنان مقابله جدی با حزب الله و تفوق جنبش آزادیخواهانه و مترقی بر جنبش اعتراضی مردم است. یک فاکتور مهم دیگر مبارزه مردم برای پی افکندن یک دولت مردمی در لبنان است که ترکیب آن بر خلاف دولت کنونی بر اساس تعلقات مذهبی شکل نگرفته است. یک دولت غیر مذهبی و سکولار که برای شهروندان فارغ از باورهای مذهبی و یا تعلقات به اصطلاح قومی تلاش می کند.

قتل سیاسی در ترکیه

قتل هراوند دینک، روزنامه نگار و نویسنده ساکن ترکیه بدون هیچ شکلی یک قتل سیاسی است. این قتل با انگیزه سیاسی صورت گرفته است چرا که وی مطالبی در باره کشتار صدها هزار مردم منتسب به ارمنی در آخرین سالهای امپراتوری عثمانی نوشته بود. در ترکیه سخن گفتن در مورد کشتار بیش از یک میلیون از مردم منتسب به ارمنی طی فاصله سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۰ ممنوع است چرا که این نسل کشی جنایتکارانه افشاگر چگونگی عروج پان ترکیسم در تاریخ معاصر ترکیه است. عروچی که با ریختن خون صدها هزار انسان بی گناه همراه بوده است.

در رابطه با قتل هراوند دینک یک نوجوان ۱۷ ساله به همراه چند نفر دیگر دستگیر شده اند. اعلام شده است که این نوجوان متهم به قتل به جرم خود اعتراف کرده است. اما سطحی نگری خواهد بود که اگر قتل هراوند دینک را فقط به عملکرد یک نوجوان با ایده های افراطی ناسیونالیستی ربط دهیم. واقعیت این است که دولت ترکیه مسئول این مرگ باید شناخته شود. نه فقط به این دلیل که دولت ترکیه علیرغم تهدیدات مکرر هراوند به مرگ از جان وی حفاظت نکرد، بلکه به این دلیل که این دولت با رفتار راسیستی خودش عامل تشویق بروز چنین قتل هایی است. دولت ترکیه دولتی است که از دیر باز

بر ایدئولوژی ناسیونالیسم افراطی ترک متکی بوده است. این دولت بر بنیادهای نژادپرستانه و راسیستی استوار است چرا که "هویت ترکی" محور وجودی آنرا تشکیل می دهد. این ایدئولوژی بود که کمال آتاتورک با بلند کردن پرچمش در زمانی که امپراتوری عثمانی در حال فروپاشی بود، توانست بورژوازی ترکیه را در پشت سر خود بسیج کند و دولت جدیدی را بنیان بگذارد. با توسل به چنین ایده های ضد بشری و با استفاده از قدرت بلامنزاع دیکتاتوری و حکومت نظامیان، عامل سرکوب آزادیخواهان، کمونیستها، کارگران، اتحادیه های کارگری و ساکنین مناطق کرد نشین ترکیه بوده است و به این طریق سود آوری سرمایه در این کشور تضمین کرده است.

اگر چه دولت ترکیه در اثر جنبش های اعتراضی در این کشور و زیر فشار بین المللی در زمینه برقراری آزادیهای فردی و مدنی در این کشور تا حدودی متحمل عقب نشینی هایی شده است ولی هر وقت که منافع بورژوازی این کشور اقتضا کند دولت با توسل به چماق "هویت ترکی" و متوسل شدن به نظامیان یعنی حکومتگران پشت صحنه، به جان مخالفین و معترضان اجتماعی می افتد.

هراوند دینک به همراه چند نویسنده و روزنامه نگار دیگر پیش از این بدلیل "توهین به ترک بودن" تحت تعقیب قانونی قرار داشت. مقامات قضایی ترکیه هراوند را در ماه اکتبر سال گذشته به شش ماه حبس تعلیقی محکوم کردند. و سرانجام روز ۱۹ ژانویه او به ضرب سه گلوله از سوی نوجوانی که ایدئولوژی نفرت انگیز راسیستی و ناسیونالیستی طبقه حاکم کورش کرده و انسانیت را از او گرفته بود، از پای درآمد.

قتل هراوند دینک اگر بخواهد یکبار دیگر موضوعی را اثبات کند، ضدیت ایدئولوژی ناسیونالیستی و قومپرستانه با انسانیت است که امروز در ابعاد کوچک و بزرگ دارد از مردم دنیا قربانی می گیرد. ما باید طالب دنیایی باشیم که نسبت به هویت های کاذب ملی، مذهبی و قومی کور باشد و هویت انسانی را به عنوان تنها هویت برسمیت بشناسد. هویت های کاذب قومی، ملی و مذهبی، چنانچه شاهد آن هستیم، تنها مردم را به جان هم می اندازد و از یکدیگر

در خدمت منافع سرمایه داران دشمن می سازد. در عوض آنچه که ما بیش از پیش به آن نیازمندیم همبستگی و هم سرنوشتی طبقاتی است. این همبستگی انسانی و طبقاتی می تواند و باید به نیرویی تبدیل شود که در هر گوشه از جهان جوامعی متکی بر پاسخ به نیازهای انسانی را پی ریزی کند و از هر گونه خونریزی قومی- مذهبی نیز جلوگیری به عمل آورد.

بالا گرفتن نزاعهای حکومتی

بالا گرفتن انتقادات جناحهایی از درون رژیم به سیاست های احمدی نژاد در عرصه اقتصادی و سیاست خارجی نشان از شدت یافتن نزاعهای درونی رژیم دارد. این بار منتقدین فقط به رقیبان حکومتی محدود نمی شوند بلکه نزدیکان به جناح احمدی نژاد را نیز در برمی گیرد. حتی گفته می شود که "رهبر" نیز نسبت به چگونگی پیشرفت کشمکش میان رژیم و دول غربی بر سر آنچه که "منافشه هسته ای" نامیده می شود و نتایجی که تا کنون نحوه برخورد به این کشمکش برای جمهوری اسلامی به همراه داشته، ناخرسندی خود را از دولت اعلام کرده است. تشدید کشمکش های درونی حکومت اسلامی در شرایطی صورت می گیرد که شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ای را علیه برنامه هسته ای ایران به تصویب رسانده و این قطعنامه نیز با حمایت وزرای خارجه اتحادیه اروپا روبرو گردیده است. از سوی دیگر در اثر فلج اقتصادی ابعاد بیکاری، گرانی، بویژه گرانی مسکن و مواد مصرفی مورد نیاز مردم اخیرا ابعاد بیسابقه ای یافته و ناراضیتهای مردم از این اوضاع حالت انفجار آمیزی پیدا کرده است.

وقایع و تحولات سیاسی اخیر یکبار دیگر به تحلیل ما از روند پیشرفت اوضاع سیاسی در ایران پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد مهر تایید می زند. همانطور که ما پیش بینی کرده بودیم روی کار آمدن احمدی نژاد نه فقط به یکدست شدن حکومت منجر نگردید بلکه به نزاعهای حکومتی شکل و حدت تازه ای بخشیده است. اکنون کسانی که تا دیروز رقیب یکدیگر محسوب می

شدند یعنی رفسنجانی و خاتمی بلوک متحدی را در مقابل احمدی نژاد تشکیل داده اند و وی را به مصاف می طلبند. بعلاوه در جریان مضحکه انتخاباتی مربوط به شوراهای شهر و روستا بلوک های جدیدی عرض اندام کردند و موقعیت ضعیف تر باند احمدی نژاد در مقابل رقبای آشکارتر شد. اگر به این اوضاع درهم ریخته جمهوری اسلامی، شایعات مکرر در باره وضعیت جسمی خراب خامنه ای را نیز اضافه کنیم ابعاد تنگناهای سیاسی جمهوری اسلامی بیشتر آشکار می شود.

اما یک جنبه دیگر از ضرورت به جلو راندن تیر خلاص زنی نظیر احمدی نژاد این بود که جمهوری اسلامی در جامعه فضای رعب و وحشت ایجاد کند و مردم را به عقب براند. اما اینجا هم دیدیم که مردم چگونه در مقابل سفت کردن بندهای اختناق ایستادند و در مقابل احمدی نژاد سنگر بستند. نمونه اعتراضات دانشجویان تهران به احمدی نژاد بطور نمادینی اعتراض و خشم فزاینده مردم به حکومت ترور و سرکوب جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. در حقیقت آنچه که اساسا و امروز نیز، زمینه بحران جمهوری و تنگناهای سیاسی این رژیم را توضیح می دهد دفع این رژیم از سوی جامعه و مردمی است که هیچ سرسازگاری با این رژیم ندارند. ادامه جنبش سرنگونی طلبانه کارگران، مردم زحمتکش، زنان و جوانان که هر چه بیشتر با خواستها و نقد چپ و رادیکال تداعی می شود، بستر اصلی شکست دولت احمدی نژاد و بالا گرفتن نزاعهای درونی است. بار دیگر متفکرین جمهوری اسلامی در پی یافتن راههای جدیدی برای "حفظ نظام" در مقابل اعتراض مردم که میروند به سیلی بنیان کن و یک انقلاب تبدیل شود افتاده اند. در این وانفاسی که جمهوری اسلامی به آن گرفتار آمده است، جنبش انقلابی مردم نباید کوچکترین فرصتی به این رژیم بدهد. بحران جمهوری اسلامی یک بحران لاعلاج است. باید بیش از پیش این رژیم جنایتکار و منحوس را زیر فشار قرار داد و آنرا از لب پرتگاه به قعر آن پرتاب کرد. *

از صفحه ۳ مژده به بشریت ...

نوعدوستی و منش آن را بازباید. مناسبات سرمایه داری را کنار بگذارید تا نوع دوستی نوع انسان همچون آفتاب چشمها را خیره کند. کشف این نوعدوستی را اما، بشریت مدیون کارل مارکس است. (*) یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری ایران